

جشنواره مستند در شبکه ۴

شبکه چهار سیما از شنبه مستندهای ایرانی و خارجی را در قالب «جشنواره مستند» روی آنتن برده و این روند تا ۳۱ خرداد ادامه دارد.

به گزارش جام جم، واحد تامین برنامه شبکه چهار سیما از ۱۸ خرداد ه‌رشب ساعت ۲۳ يك فیلم مستند را در قالب جشنواره مستند به نمایش درمی‌آورد.

کمال الملک، تنگه هرمز، زندگی مسموم شده، بانوی ایرانی و کاریکاتور در ایران عناوین فیلم‌های مستندی است که از امشب تا روز جمعه در قالب جشنواره مستند پخش می‌شود.

مستند «کمال الملک» به کارگردانی کاوه بهرام مقدم که امروز پخش می‌شود، زندگی و آثار محمد غفری از مشهورترین و بانفوذترین شخصیت‌های هنر معاصر ایران و خدماتی را که به سرزمین‌مان داشته است به تصویر می‌کشد. در این مستند همچنین به تاسیس مدرسه‌ای که کمال‌الملک به آن همت گماشت و بعدها به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کنونی تبدیل شد، اشاره شده است.

مستند تنگه هرمز به کارگردانی شهرام حیدریان فردا از شبکه چهار سیما پخش می‌شود. این مستند به بررسی اهمیت آبراه‌هرمز از لحاظ تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌پردازد و پتانسیل‌های موجود در این منطقه از جمله تاثیر مثبت اکوتوریسم را به نمایش می‌گذارد.

جشنواره مستند شبکه چهار سیما تا ۳۱ خرداد برای مخاطبان این شبکه روی آنتن می‌رود و در خبرهای تکمیلی‌تر اسامی فیلم‌های مستند هفته آخر خرداد اعلام می‌شود.

همچنین واحد تامین برنامه شبکه چهار سیما از شنبه، يك مستند داخلی را روی آنتن فرستاده و به این ترتیب هر روز ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه يك مستند داخلی پخش می‌کند.

کمی‌آنستور، آفراندن، آی بی‌کلاه و آی بی‌کلاه، خط ممتد و کیمیاگران عناوین مستندهای داخلی است که این هفته پخش می‌شوند.

مستند کمی‌آنستور به کارگردانی حمید هاشم‌زاده از يك جوان کارآفرین می‌گوید.

مستند آفراندن به کارگردانی علی قادری، تلاش سوران پیامی، جوان مهابادی را به تصویر می‌کشد که در کنار اشتغال‌زایی برای مردم منطقه خود، کشور را از واردات ترازوی دیجیتالی بی‌نیاز می‌کند.

آی بی‌کلاه و آی بی‌کلاه به کارگردانی محمدرضا ناطری نیز درباره جوان ۲۸ ساله‌ای به نام مهندس عزیززاده است که برای نخستین‌بار موفق به تولید نشاء پیوندی هندوانه و کدو شده که این روش باعث صرفه‌جویی در مصرف آب و افزایش چهار برابری محصول شده است.

خط ممتد به فعالیت چند جوان اردبیلی درخصوص تولید گوشی‌های تلفن‌همراه در يك شرکت تولیدی می‌پردازد که ضمن تامین نیاز در داخل مقدادی‌ری نیز به خارج صادر می‌شود. مستند «خط ممتد» را اسید ابراهیم جوادخانی کارگردانی کرده است.

کیمیاگران به کارگردانی عبدالرضا وفایی هم درخصوص ساخت پالایشگاه نفتی و پتروشیمی توسط مهندسان جوان و خلاق ایرانی در خرمشهر است.

همه گفتند با ما آشنا بود...

ادامه از صفحه ۵

اخیرا هم یاد گرفته‌اند فرزندانشان را در خارج به دنیا بیاورند که شهروند آنجا شوند. یعنی زایمان بی‌درد! حال چرا زایمان بی‌درد؟ چون مردمان بی‌دردی هستند. یعنی همه چیز را بی‌درد و آسان می‌خواهند. منظور از درد، درد جامعه است.

تلویزيون و در نگاه کلان هنر ما نیاز دارد به هنرمند دردمند یعنی هنرمندی که با میلیاردها تومان پول هم نتوان افکارش را خريد! هنرمندی دردمند است که محصول ماندگار تلویزیونی تولید می‌کند و به هیچ‌کس باج نمی‌دهد مگر به مردمی که هنرش را خريدارند. در اینجا بد نیست يادی کنم از اقبال لاهوری که گفت: چو رخت خویش، بریستم از این خاک/ همه گفتند، با ما آشنا بود/ ولیکن، کس ندانست این مسافر، چه گفت و با که گفت و از کجا بود. 



سریال زیرهمکف، آماده پخش شد

سریال «زیر همکف» به کارگردانی بهمن گودرزی و تهیه‌کنندگی رضا جودی تا چند روز آینده تحویل شبکه يك سیما داده می‌شود.

به گزارش خبرگزاری صبا، با اتمام مراحل فنی سریال زیرهمکف به کارگردانی بهمن گودرزی و تهیه‌کنندگی رضا جودی که برای گروه فیلم و سریال شبکه يك

سیما ساخته شده، قرار است تا چند روز آینده تحویل شبکه داده شود. زمان پخش سریال در اختیار شبکه يك سیماست و با توجه به جدول پخش برنامه‌های شبکه، احتمالا بعد از ماه محرم و صفر پخش می‌شود.

در خلاصه داستان زیر همکف آمده است: «زندگی قانون‌های زیادی دارد. ولی



میزگرد جام جم با حضور عوامل برنامه موفق «سرسفره خدا» که در سحرهای ماه رمضان پخش می‌شد

سر سفره خدا باید خوشحال بود

قصه و اصل این ماجرا که باعث شد تا به چنین فضایی برسید از کجا شروع شد؟ و چطور هر کدام به این پروژه پیوستید؟

مهدی: این برنامه ابتدا شاید اصلا قرار نبود که به این شکل روی آنتن برود و مثل همه برنامه‌های سحر قرار بود تا با يك مجری و در همان قالب همیشگی برنامه‌های سحرگاهی اجرا شود. در ادامه بعد از آن که با مدرس صحبت کردند، از آنجایی که با هم دوستی ۱۸ساله داریم من را پیشنهاد دادند که در کنار هم این فضا را

شکل دهیم.

مدرس: بله، وقتی به من برای این برنامه پیشنهاد دادند اگر بخواهم تواضع را کنار بگذاریم و حقیقت را بگویم، طبق تجربه چند ساله، من هر چه فکر کردم دیدم زمان و شرایط پخش این برنامه خیلی حساس است و مخاطبان آن هم بچه‌ها هستند. گروهی که داستان را با هم حساس تر می‌کنند پس اعدا نمی‌شود که تنها یک مجری را برای برنامه در نظر گرفت. آن وقت این برنامه هم می‌شود مثل بقیه، همان‌طور که شبکه يك مثل آقای سلطانی صحبت می‌کند و بقیه شبکه‌ها نیز به همین ترتیب. در این شرایط بود که من با زهرا یاد احسان مهدی افتادم و گفتم لازم است تا يك مکمل در کنار مجری باشد تا فضا را تلطیف کند.

فضای نمایشی که وجود دارد، چطور؟

مهدی: می‌توان گفت ۹۹/۵ درصد این فضا باعث شد تا متفاوت و بهتر به بچه‌ها نزدیک شویم.

مدرس: من می‌گویم ۱۲ درصد...

مهدی: بله واقعا چیزی که باعث شده تا نمایش‌ها هم شیرین باشند، همین آشنایی و شناختی است که بین ما وجود دارد.

ما گاهی حتی با نگاه با هم بازی می‌کنیم و اتفاقاتی را رقم می‌زنیم که بعضی وقت‌ها بداهه شکل می‌گیرد.

مدرس: تله‌پاتی دو شخصیتی که مقابل هم قرار می‌گیرند در کنار هماهنگی که لازم است، اهمیت زیادی دارد. ما هم از استقبال و پیام‌هایی که از طرف مردم به ما می‌رسید، متوجه شدیم که شکر خدائین فضا مخاطبان و موافقانش را دارد. حال در برنامه زنده این‌که بتوانی با طرف مقابلت هماهنگ شوی کار ساده‌ای نیست و این اتفاق در کنار آشنایی که داشتیم، در طول این سال‌ها به تدریج اتفاق افتاد، با این حال با هم تأکید می‌کنم که همه اینها به آن معنی نیست که ما داریم بهترین کار را انجام می‌دهیم و این درصدی که مطمئن هستیم هم به دلیل میزان توجه مردم و استقبال آنهاست. در حال حاضر درصد زیادی از بینندگان برنامه ما از قشر مذهبی هستند و همه جا هم با لطفی که دارند، می‌گویند ما نمی‌دانستیم که چطور بچه‌مان که روزها ولی است را بیدار کنیم و شما باعث شدید که گاهی حتی آنها ما را بلند کنند. **سپهلی:** وقتی که مخاطب شما کودک است قاعداً خانواده‌ها هم در کنار آنها هستند و این موضوعی است که در کارهای دیگر مثل عموپورنگ هم وجود داشت و باید آن را مدنظر قرار دهیم. من به عنوان کسی که سال‌هاست در این حوزه هستم وقتی احسان را دیدم، می‌توانم بگویم حتی به عنوان يك بزرگسال هم برایم لوس نبود. نکته‌ای که وجود دارد هم این که قرار نیست ما هرچه ببینده می‌خواهد را برایش بسازیم، بلکه من به نوعی سال‌ها در این فضا کار کرده‌ام. درس خوانده‌ام و قرار است چیزی را تعریف کنیم که به درد آنها هم بخورد. به‌طور کلی هم ایجاد فضای طنز در برنامه‌ای که مذهبی و مربوط به زمان‌های خاصی مثل افطار و سحر است، کار دشواری است و مهارت پیچیده و عجیب و غریبی می‌خواهد که همه ما در حال دست و پنجه نرم کردن با آن هستیم. رسانه به‌طور وحشتناکی جذاب و اثرگذار است و متأسفانه همیشه فقیر بوده چون هر کسی سعی می‌کند اثری را بسازد که فلان مسؤول خوشش بیاید و به به و چه چه کند، ولی ما خیلی چیزها را پشت سر گذاشتیم تا به این فضا رسیدیم. همچنین پالایشی هم در این بین ایجاد شده که هم جذاب است و هم به فضای مذهبی که در آن زمان لازم است، نزدیک شده است.

کار کودک به‌طور کلی سخت است و کار کودکي که در فضای مذهبی باشد بسیار دشوارتر. حال همان کار وقتی قرار است سرخ‌روی آنتن برود، سختی‌اش بیشتر می‌شود.

سپهلی: من هم در سال اول به عنوان مهمان دعوت شدم، حقیقت ماجرا این است که پشت صحنه این کار خیلی حال خوبی داشت. در تمام این سال‌هایی که کار کرده‌ام هم، اولین چیزی که برایم اهمیت دارد گروه و کسانی است که با آنها قرار است همراه شوم، عاملی که باعث دلگرمی‌ام برای حضور در این برنامه شد، اما نکته‌ای که وجود دارد و دوستان هم به آن اشاره کردند، زمان پخش برنامه است، به‌طور کلی بخشی از زندگی ما مسلمانان در سحر گذشته همان‌طور که در خاطرات خیلی از ما این روزها حک شده است، به همین دلیل فضای این کار برایم اهمیت زیادی داشت و با جان و دل با گروه همراه شدم.

عطار: بعد از درخواست شبکه پویا برای ساخت برنامه سحرگاهی مخصوص بچه‌ها متالاش کردیم تا فضای متفاوتی را شکل دهیم که مختص آنها باشد. در ادامه هم می‌خواستیم تا به پدر و مادرها کمک کنیم تا بتوانند سحر با بچه‌هایشان همراه شوند و آنها بتوانند کودکانشان را بیدار کنند، چون خواب‌آلودگی یکی از مساله‌های اصلی این روزهاست که برای بچه‌ها بیشتر وجود دارد. و همان‌طور که قبل تر هم گفتم، می‌خواستیم این برنامه وسیله‌ای باشد تا بچه‌ها به دلیل فضیلتی که سحرهای ماه رمضان دارد، چه روزه بگیرند و چه نگیرند، بیدار شوند.

برای هماهنگی در زمان اجرا چقدر وقت می‌گذاشتید و چقدر بداهه پیش می‌رفتید؟

سپهلی: این هماهنگی برای ما خیلی مهم است و اتفاقاً برای آن وقت می‌گذاریم، چون کار خیلی جدی‌تر از آن است که فکر می‌کنید و به لحاظ حرفه‌ای به خاطر مواردی که از آنها گفتیم، به اندازه يك روز تصویربرداری سریك مجموعه از خود من

انرژی می‌گیرد.

در مورد فضایی که وجود دارد نیز همان‌طور که گفته شد در حال زندگی بودیم، به همین دلیل همان‌طور که کل روز و شب احیا را بدون لبخند و برخورد‌های معمولی نمی‌گذرانیم، در برنامه هم این ایام همان‌طور سپری می‌شدند.

در سال‌های اول شکل‌گیری همین متن و هماهنگی کار سختی بود و نویسندگان زیادی رفتند و آمدند تا به چیزی که امروز می‌بینید، رسیدیم. امسال پیش تولیدمان با ایده‌هایی که وجود داشت و بهانه‌ای برای نوشتن هر قسمت بود، قوی‌تر اتفاق افتاد. در ادامه بعد از هماهنگی‌های اولیه گاهی سر تمرین برای بعضی چیزها کدگذاری می‌کردیم و گاهی در لحظه این اتفاق می‌افتاد.

با همه اینها پخش زنده مدیوم دیگری از بازیگری است، یعنی نه تئاتر است نه سینما و نه سریال تلویزیونی. بازیگری در پخش زنده یعنی خودت باید کارگردانی و موارد دیگری مثل نویسندگی و... را بلد باشی و دوربین را بشناسی. ما هم چند ساعت زودتر از برنامه می‌آییم، با هم تبادل نظر می‌کنیم، یقه هم را می‌گیریم تا به ساختاری برسیم که آن شیرینی را برای مخاطب داشته باشد.

مدرس: من در چند قسمت پایانی واقعا به این نتیجه رسیدم که در چنین کاری نمی‌شود متن مدونی با چارچوب دیالوگ محور داشته باشیم چون همیشه در برنامه زنده درگیر اتفاقات مختلفی از تغییر کنداکتور گرفته تا رفتن برق و... هستیم و امکان دارد هزار و يك اتفاق بیفتد و همه زمانبندی‌هایمان از بین برود. پس ما با يك سیناپس شروع می‌کنیم و طبق آن پیش می‌رویم.

عطار: به‌طور کلی جدا از مشکلاتی که همیشه در حوزه نویسندگی داریم، مسیر این است که سرفصلی را با حضور کارشناسان امور تربیتی شکل می‌دهیم، توسط سردبیر بسط داده می‌شود، موضوعات در اختیار نویسنده قرار داده می‌شود، بچه‌ها آن را می‌خوانند و تصمیم‌گیری کرده و آن را برای خودشان می‌کنند. حال در این بین متن گاهی ضعیف است و گاهی قوی و در نهایت ترکیبی از بداهه و متن روی آنتن می‌رود.

به نظر من مهم‌ترینش اینه که راحت، نه بگی و هیچ‌وقت از نه گفتن نترسین. موافقین؟ نه؟ «هومن شاهي، بهادر مالکی، عزت... مهرآوران، محمود جعفری، نادر داهیم، پریسا مقتدی، یزدان فتوحی، ویدا جوان، پریسا گل‌دوست، نگین معتضدی و سامان دارابی در این سریال نقش آفرینی می‌کنند.

شکل دادن برنامه‌ای با این ویژگی‌ها که برخلاف چیزی که تا الان بوده، در سحر خیلی اوقات بچه‌ها را می‌خنداند و اتفاق نویی محسوب می‌شود، مشکل نبود؟

عطار: ما دو کار در این پروژه انجام دادیم که منتظر بازخورد و برخورد‌های تندری برایش بودیم، یکی آن که برای اولین بار در سحر داشتیم می‌خندانیم و دیگر در مورد محتواهای دینی بود که اغلب می‌گویند نباید دستکاری صورت بگیرد، اما ما این کار را کردیم. برای این کار عربی ادعیه‌ای که در این ماه بیشتر خوانده می‌شود را کنار گذاشتیم و ترجمه را هم در گروه نویسندگان معادل سازی کردیم و مایه‌ارایش را به‌گونه‌ای نوشتیم که بچه‌ها آن را اجرا کنند. همه اینها در حالی اتفاق افتاد که ما با خورد‌های جالبی را از فضاهای مختلفی که چندان انتظار نداشتیم، گرفتیم. این خرق عادت هم خیلی جواب داد و باعث شد تا مردم در کنار خنده، با همان دعاها واقعا همراه شوند نه این‌که تنها يك متن عربی را بخوانند. در ادامه وقتی شخصیت فری اضافه شد، بزرگ‌ترها هم بیشتر به برنامه جذب شدند چون این شخصیت به نوعی نماینده گروه بزرگسالان است.

مدرس: واقعا جای شکر دارد که آنقدر اطمینان مردم به برنامه و اعضایش در این سال‌ها زیاد بود که حتی در شب‌های مناسبتی خاص و فضایی که اغلب نباید طنزی در آن اتفاق بیفتد، ما اگر در متن و روابطمان مایه طنز داشتیم، آن را اجرا می‌کردیم و مخاطب هم می‌پذیرفت. چون واقعا داشتیم زندگی می‌کردیم.

فضاسازی و شکل‌گیری داستان در يك محله چطور رقم خورد؟

عطار: ما خیلی به دنبال آن بودیم تا دین را با توجه به آنچه تصویر شده ارائه ندهیم و ماهیتش را منعکس کنیم. همچنین می‌خواستیم آنچه در برنامه تکرار می‌کنیم و شاید در جامعه آن‌طور وجود ندارد تبدیل به يك فرهنگ شود. مثل مسجد که در محله‌های قدیمی محل اجتماع بود و الان صرفاً جایی برای مراسم‌های مناسبتی است که دم اذان باز و بعد هم بسته می‌شود. اما در برنامه همه ماجراها طوری رقم می‌خورد که مسجد در آن حتی به صورت غیرمستقیم دخل است و تلاش می‌شود این فرهنگ جابیفند.

مدرس: این واقعا درد است که در کشور اسلامی‌مان هر وقت می‌خواهیم درباره دین و مذهبمان برای افشار مختلف از کودک گرفته تا بزرگسال صحبت کنیم، می‌مانیم که چطور آن را مطرح کنیم. مثلاً در همین برنامه آنقدر باید فکر کنیم تا همین موضوعات را به‌گونه‌ای ارائه دهیم که مخاطب پس نزند. اما چرا باید این‌طور باشد؟ اگر معتقدیم نباید با شنیدن این مسائل بگوئیم کلیشه‌ای شده‌اند. ما هم در برنامه با فراهم کردن بستر آن، زیرپوستی بحث مسجد را منعکس کرده‌ایم. این دراست که نمی‌توانیم مستقیماً درباره چنین مسائلی صحبت کنیم.

سپهلی: در کنار اینها و فضاسازی که اتفاق افتاد باید به این نکته توجه داشت که جذابیت بصری برای مخاطب کودک جزو اتفاقات مهمی است که باید آن را در نظر گرفت. با این حال ابتدا به ساکن ماجرای بین آدم‌هایی که جلو دوربین هستند، اهمیت دارد و موارد دیگر مثل صحنه و لباس جزو بزرگ‌هاست که در کنار اجرای اصولی می‌تواند اتفاقات خوبی را رقم بزند. الان ما در مسجدی که در حال روایت آن هستیم فوتبال بازی می‌کنیم، مسابقه داریم و... داستانی که تصورات خوبی را برای بچه‌ها ایجاد می‌کند.

همیشه کمبودهای موجود در حوزه کودک به‌خصوص در رسانه، باعث ناامیدی خیلی از فعالان این عرصه شده، شما با چه انگیزه‌ای سال‌ها در این دنیای مهجور فعالیت کرده‌اید؟

مهدی: چون از خیلی وقت پیش این داستان را شروع کردیم می‌خواهیم بالاخره نتیجه آن‌ا هم بگیریم. امیدوارم این دلگرمی ادامه داشته باشد و ناامید نشویم.

مدرس: من فقط و فقط برای بچه‌ها در این فضا مانده‌ام چون در این سال‌ها در حوزه‌های دیگر هم کار کرده‌ام، اما لبخندی را که در مواجهه با بچه‌ها می‌بینیم واقعا به اندازه يك دنیا ارزش دارد، اتفاقی که نمی‌شود آن را با هیچ چیزی عوض کرد. حتی بازخوردی

که از این گروه می‌گیریم با بقیه خیلی متفاوت و ارزشمند است. **سپهلی:** بله واقعا همین‌طور است، این لطف خداست که در این فضا حضور دارم. گاهی در بدترین شرایط بوده که من در خیابان راه می‌رفتم، اما با دیدن کودکی که به سستم می‌آید و می‌خندد همه چیز یادم می‌رود.

اینجاست که فهمیدم من دیگر برای خودم نیستم و این مرز سختی است که تعهدی برایت می‌آورد که نمی‌توانی رهايش کنی. بچه‌های ما به‌خصوص در این روزگار واقعا مظلوم هستند چون در زمینه هویتی بالاتکلیف هستند؛ اتفاقی که به واسطه دنیای مجازی و دلخوشی‌های مجازی ترش افتاده است و باید فکری به حال آن شود. این رنگ ظطر را خیلی‌ها به صدا درآوردند و ما با زهرا هم می‌گوییم تا بلکه شنیده شود. الان مدت‌هاست صاحبان این دنیا‌های مجازی مغز تربیت بچه‌های ما را درزیده‌اند و هنوز ما کاری نکرده‌ایم.